

بورس تهران از تحولات قطر تاثیر می گیرد؟

اقتصاد

حمیدآصفی تحلیل‌گر مسائل سیاسی ایران و پژوهشگر اقتصادسیاسی ایران است. وی سال‌هاست که درعرصه مباحث سیاسی کلان کشور و نیز اقتصادسیاسی ایران و تحولات جهانی مصاحبه نموده و قلم زده است. آصفی از مدافعان جدی بحث توسعه متوازن اقتصادی ایران و در دستگاه اندیشگی زنده یادمهندس سبحانی تفکر و اندیشه می‌کند. گفتگویی ما با آصفی درباره اقتصاد مقاومتی را مطالعه فرمایید:



اقتصاد مقاومتی چگونه عملیاتی می‌شود؟

اینکه بالاترین مقام کشور موضوع اقتصاد مقاومتی را با تعاریف روشن مطرح می‌کند، موضع مثبتی است و ما هم باید از گذشته تاریخ جامع که دراین راستا حرکت کردند بیاموزیم. اقتصاد مقاومتی هم در این چارچوب مطرح می‌شود که یک حرکت تکاملی است در مقابل یک اقتصاد رانتی و چند نکته اصلی هم دارد که به صورت صریحی اقتصاد دانش بنیان را به عنوان پایه اصلی اقتصاد مقاومتی می‌گذارد. این در چارچوب سیاست های کلی برنامه چهارم هم مطرح شده بود. یعنی حرف جدیدی نیست و حتی از ناحیه خود رهبری هم بارها به نوعی زده شده بود و تامل مثبت با جهان هم دربرنامه چهارم مطرح شد که احمدی نژاد به صورت پوپولیسم آن را کنار گذاشت و گفت این برنامه چهارم سرمایه دارانه است. درواقع سرمایه داری را کنار گذاشت تا رانت جویی را رایج کند و متأسفانه موضع گیری هایی که آن زمان توسط کسانی که باید موضع گیری رادیکال می کردند شد و برای این حرکت ضد تکاملی احمدی نژاد هورا کشیدند، پشتوانه آنها کسانی بود که نفوذ داشتند در جنبش سوسیالیستی جهان یعنی چاوز و آن نفوذ باعث شد که در مقابل کسی که به صورت قالب شده ای می خواهد با سرمایه داری مقابله کند سکوت کنند و حتی بعضی ها هم مستقیماً از او دفاع کنند. جناح هایی از چپ این حمایت ها را داشته و بحث های مستقیمی به صورت نوشتاری و بخصوص گفتاری در دفاع از احمدی نژاد انجام می‌دادند. از مصادیق فردی مثل جیمزپدراس مارکیست آمریکایی از آن به صورت مستقیم دفاع کرد. اینان کسانی بودند که مورد پشتیبانی های چاوز ودردفاع از کنگره سوسیالیست ها آن زمان وجود داشتند و بعدا همین موضوع رسوایی به بار آورد. (رسوایی همان پشتیبانی و سکوتی که در مورد چاوز می کرد و ضدیت هایی که با حزب کارگران برزیل در مقابل چاوز می کرد).

دوباره این موضوع اقتصاد مقاومتی مطرح شد. این بار نه در چارچوب سیاست‌های کلی برنامه چهارم و حتی پنجم، بلکه به صورت یک نوع ابلاغ حکم حکومتی، که کسی اینبار نتواند بگوید به دلیل اینکه قانون برنامه ای بوده که جناح مخالفی آن را تصویب کرده واینطور تفسیر کند که فرای ملت به من یعنی کنار گذاشتن آن قانون و برنامه!

طرح اقتصادمقاومتی جدیدی را نشان می‌دهد که در بالاترین مقامات حاکمیتی وجود دارد. در مورد اینکه اقتصاد دانش بنیان هدف اصلی تحرک اقتصادی شود. در واقع به یک نوع بخش پیشران اقتصاد ایران تبدیل شود. در عین حالی که انزوا در آن نباشد یعنی از اقتصاد مقاومتی تفصیل اقتصاد جنگی بیرون نیاید و همچنین اقتصاد دولتی نباشد. اقتصاد رقابتی باشد یعنی چارچوب دولتی اش هم رقابتی باشد. انحصاری و رانتی نباشد این در خود برنامه در بند (۱۰۳) آفید شده است. **گفته شده که این اقتصاد درون‌زا باید باشد و برونگرا.** اگرخود این واژگان بسط پیدا کند واژگان خوبی برای اقتصاد توسعه هم هست.

درون گرا و رانتی وا تعاریف اورونه!

این ها واژگانی است که گفته می‌شود ما در گذشته اقتصادی داشتیم. برون زا یعنی تک محصول نفت و درون نگر، یعنی انزوا می‌خواهد داشته باشد. ولی برون زاست چون رانت نفت را می‌گیرد و اقتصاد را نگه می‌دارد. اگر این نفت قطع شود زایش این اقتصاد از بین می‌رود ولی در پشت شعارهای درون نگر هست یعنی ما بخواییم از سنت و اصول خودمان دفاع کنیم. این ها حرف های درون نگرانه است. انزوا جویانه است. در عین حالی که بند ناف این اقتصاد به نفت وابسته است و بدون آن اصلا نمی‌تواند زنده بماند. یعنی اقتصاد نفتی مثل بدنی است که خون در آن جریان ندارد و با یک دستگاه دارد زندگی می‌کند به نام مازاد اقتصادی نفت. این مازاد اقتصادی رانتی است و وقتی که در بدن می‌گردد مثل خونی است که مواد فیوینی در آن باشد و اگر آن ماده فیوینی را از آن بگیرند دیگر تحرکی نخواهد داشت.

ما یک اقتصاد درون‌زا و برون نگر می‌خواهیم؛ چرا؟

درون‌زا یعنی مازاد اقتصادی اش از فعالیت های خودش بیرون بیاید و بتواند در میدالاتی که با جهان بیرون است حداقل تراز بازرگانی اش بدون نفت مثبت باشد. پس باید برون نگری داشته باشد و بتواند در سطح جهانی با کالاهای دیگر رقابت کند و درون زایی داشته باشد و بتواند فناوری را به تدریج بومی کند و قلمهایش را بردارد. این عمل یک شبه تحقق نمی‌یابد تا بتواند بسیاری از مسائل اقتصادی و اجتماعی را حل کند، این ها بسیار مهم است که تعریف و چگونگی اش مشخص شود. این بسیار گویاتر است از اهداف انتزاعی و بسیار مبتدلی که حالا قبل از آن در چارچوب تعدیل اقتصادی مطرح شده بود. چسرا در آن چارچوب انتزاعی و مبتذل است؟ چون انتزاعی این است که همه چیز را به بازار بسپاریم. این انتزاع ایدئولوژیک است و علم اقتصاد نیست. مدافعان تعدیل اقتصادی میگویند: فعالیت های دولت را کم کنیم و این هم حرف انتزاعی است یعنی کدام فعالیتش باید کم بشود؟ اینکه فعالیتش کم بشود یعنی سرمایه گذاریش کم شود؟ حجم دخلتش کم شود؟ این ها روشن نیست. آیا یک شبه این ها ممکن است؟ آیا نقشه راهی برایش وجود دارد؟ که آن هم روشن نیست. این حرف ها یک ایدئولوژی اولیه است و در واقع خاصیتش را هم دیدیم. این حرف های انتزاعی تبدیل می‌شود به اینکه شما یک اقتصاد برون زای درون نگر دارید که قبلا که رانت جویی هم بر آن حاکم نبود الان در دوره دولت نفتی رانت جویی حاکم است. اگر در چارچوب اقتصاد مقاومتی در بخش مستقات نگاهی کنیم این کاملاً ضدیت دارد با اقتصاد مقاومتی و رانتی است. تراکم فروشی رانتی است و فضاهای لازم برای اقتصاد دانش را می‌بندد و بخش نامولد اقتصاد را تقویت می‌کند. در تشکیل سرمایه می‌رسیم به بخش مسکن. نزدیک به پنجاه درصد سرمایه گذاری در ایران در بخش پنجاه درصد از این پنجاه درصد هم (نه اینکه محاسبه مستقیمی داشته باشیم این محاسبه را می‌توانیم با ارقام دیگری داشته باشیم)؛ در تشکیل سرمایه فقط آن سرمایه هایی در بخش مسکن و در حساب های ملی به حساب می‌آید که در ساختمان وارد شده است وآن سرمایه ای که در زمین رفته است در حساب های

درحالی که بورس های معتبر دنیا تحت تاثیر تحولات جهانی از جمله قطر روابط عربستان و کشورهای غربی با قطر و نزدیکی جلسه بانک مرکزی اروپا و انتخابات انگلستان، ساعت‌های پرنوسنی را پشت سرمی‌گذارند، بورس تهران ۸۰ هزار واحدی شد.

شاخص کل بورس امروز در نخستین ساعات شروع به کار با رشد ۲۲.۶۸ درصدی به ۸۰ هزار و ۳۳۱ واحد رسید. اگرچه پس از آنکه عربستان سعودی، امارات متحده عربی، مصر و بحرين روابط خود با قطر قطع کردند و شاخص سهام اصلی قطر بیش از ۷ درصد سقوط کرد، اما به گفته کارشناسان نمی‌توان به طور قطع گفت که افزایش شاخص بورس تهران از تحولات جهانی تاثیر گرفته؛ این در حالی است که در گذشته هم بورس تهران خلاف ریزش‌ها در بازارهای جهانی حرکت کرده است.

جایگاه اقتصاد مقاومتی در شرایط اقتصاد امروز ایران

اقتصاد مقاومتی چگونه عملیاتی می‌شود؟

که بانک جهانی هم آن را تعریف می‌کند می‌گوید ابتدا حاکمیت خوب ت را به من بدها اصلا جزو شاخص های سرمایه گذاریش این است که حاکمیت تو چقدر خوب است. حالا غیر از سوگولی هایی مثل عربستان که می‌بایست سهل گیری هایی برایش کنند چون آن حکومت اصلا برای تغییر تاب آور نیست و می‌پاشد. نمی‌توانند فشاری به آن بیاورند. یکی از سخنرانان جایزه نوبل می‌گوید: اقتصاددان کسی است که بتواند دست نامرئی بازار را مرئی کند. مثل همان دکتری که اگر نتواند بدد او دکتری نمی‌گویند. قبلا جناح چپ در خود حاکمیت می‌گفتند برنامه

خوب است و بازار باید نابود گردد. این نیز علم اقتصاد نبود. هنوز این آشفنگی در برنامه ششم ادامه دارد و نمی‌توان آن جناحی که حاکم است را نتولیرال نامید چون نتولیرالیسم علم اقتصاد دارد. چرا ترکیب برنامه و بازار؟ چون بدون قیمت (و قیمت گذاری هم از اقتصاد نئوکلاسیک در نهایت بیرون می‌آید) نمی‌توانید. پس در نهایت تخصیص بهینه منابع یا برنامه ریزی متمرکز کنید. با محاسبه ارزش کار نمی‌توانید برنامه ریزی متمرکز و قیمت گذاری کنید؛ یعنی بحث قیمت ها و ناکارآمدی برنامه ریزی متمرکز برای قیمت گذاری و محاسبه هزینه فرصت. شما اگر می‌خواهید نان تولید یا لیوان تولید کنید هر کدام در دستور کار قرار دهید یک هزینه فرصتی را از دست می‌دهید. چون این را تولید کرده و آن را تولید نکرده اید. ممکن بود از لحاظ مطلوبیت و قیمت یکی را بهتر بفروشید چون لازم تر و ضروری تر بوده ولی نتوانسته اید این را محاسبه کنید. هر چیزی را حتی محیط



زیست را غیر از مقولات اخلاقی باید همین کار را انجام داد.

منظور این است که وقتی بحث به این ترتیب مشخص نباشد و اولیه باشد، شما دستگاهی ندارید که اقتصاد تاب آور و دانش بنیان بسازید و بخش پیشرو را نمی‌توانید تعریف کنید. البته در برنامه ششم هم با قلم درشت نوشته اند که اقتصاد دانش بنیان؛ الان از تصویب برنامه چهارم دوازده سال گذشته است. دولت احمدی نژاد هم اصلا متوجه نبود ولی دولت یازدهم حتی قوانین مالکیت معنوی را تصویب نکرده و می‌خواهد به مجلس رود. این بخش می‌که رفته بخش ای کسی است که بخش یک قبلا وجود داشته و عبارت است از مالکیت ادبی و هنری. دراین برنامه تکلیف طبقه کارگر و بخش پیشرو هم مشخص نیست. در خود اقتصاد دانش بنیان اینکه کدام بخش اقتصاد بخش پیشرو است از انتزاع مباحث کم شده است. اماآهلبتیه که می‌خواهند رانت جویی کنند می‌گویند گردشگری اقتصاد دانش بنیان است؛ البته بخش گردشگری یکی از بخش های مهم در اشتغال و درآمدزایی است ولی پیشران اقتصاددانش بنیان نیست.

فرمان اقتصاد مقاومتی مقام معظم رهبری ناشی از یک فرآیند است. در این فرآیند هوشمندی وجود داشته که این را هم نمی‌شود نادیده گرفت و دیده شده که در عمل چه اتفاقی می‌افتد. برخوردهای جناحی صورت نمی‌گیرد. جهان امروز هم بدون این مقوله از اقتصاد دانش بنیان سوسو بیشتر می‌کند. این عمل ملو از تناقضات پس‌صانعتی شده‌ایم. دوران پاسخ صنعتی می‌تواند اقتصاد دانش بنیان درست کند و سرمایه داری در این اساس را به وجودآورده است ولی این مثل صنعتی شدن فرآیندی است که جامعه و طبقات خواهانش هستند. چون درجه آزادی بشر و آزادی زنان بیشتر می‌شود، محیط زیست آلودگی کمتری پیدا می‌کند و امکانات را حداقل برای کشورهای جهان سوم بیشتر می‌کند. این عمل ملو از تناقضات ذاتی سرمایه داری است ولی جغرافیای صنعتی را عوض کرده است. تولید کالا که قبلا در کشورهای مرکزی متمرکز بود به کشورهای پیرامونی آمد. این ها امکاناتی است که در دل این حرکت وجود داشته با مجموعه تناقضات وناموزونی‌ها و … این مسیراقتصاددانش بنیان ضرورت تاریخی را نشان می‌دهد که کسی نمی‌تواند از آن سر پیچی کند. این درک هم به وجود آمده که اقتصاد ما روز به روز به خاطر برون زایی و سپس رانتی شدن به طور سیستماتیک بهره‌وری‌اش پایین می‌آید. خوشبختانه این گفتمان هم در حاکمیت صورت گرفته و می‌بایست که منتقدین بتوانند در این باره فعال شون . می‌بایست در مورد نقش طبقه کارگر در این اقتصاد دانش بنیان مباحث جدی شکل بگیرد واین جزو وظایف پیشرویان طبقه کارگر است که در آن غفلت صورت گرفت. چون فکر می‌کنند اقتصاد دانش بنیان فریبی است که سرمایه داری می‌دهد و نباید برایش فعالیت کنند. تاکنون برای اقتصاددانش بنیان تئوری خلاقی ایجاد نشده. درحالی که اقتصاد دانش بنیان امکان آزادی بیشتری برای همه اقشار بخصوص زنان وکارگران فراهم می‌کند. پس از سیاست زدگی در این موضوع باید دست کشید و نباید گفته شود این هم یک فریب دوبله دیگر است که سرمایه داری گفته است!

اقتصاد دانش بنیان مرکب از چندین بخش اقتصادی است. صنایع با تکنولوژی از متوسط به بالا و بخش های آموزش و پژوهش در سطح بالاتر از بخش های طراحی و نرم افزاری و غیره و به علاوه بخش خدمات مالی (البته نه مالی فتودالی) خدمات مالی که به مثابه خدماتی که در خدمت تولید مولد است. مالی که تولیدگر است نه مثلاً خرید و فروش ارز؛ آن خدمات اصلا در حساب های ملی نمی‌آید. رد و بدل ارز در جهان بیشتر از تولید ناخالص جهان است در یک روز. (این آمار بانک جهانی و IMF صندوق بین المللی پول است ولی این جزو خدمات مولد نیست). این همان ترکیب خدمات مولد و پژوهش و توسعه و آموزش و صنایع دارای تکنولوژی متوسط به بالا است(که شاخص هایش را مهندس ها باید کشف کنند ولی در واقع بانک جهانی شاخص KEI دارد که با آن محاسبه می‌کند و ایران جزو رده های بسیار پایین در شاخص است).

الان ۱۸ درصد اقتصاد ایران دانش پایه است وسهم

تهران نسبت به سایر استان‌ها نزدیک به ۲۵ درصد و بیشتر است. یکی از کارهایی که اقتصاد دانش بنیان می‌کند این است که وقتی شما وارد این دور بشوید تراز بازرگانی بهبود پیدا می‌کند. خلاف قبلا که آمریکا وارد کننده مواد خام بود، الان هفتاد درصد واردات آمریکا کالاهای دانش بر است یعنی در آمر دانش و تکنولوژی متوسط به بالا فریب است، اروپا نیز اینگونه است. پس ایران برای اینکه از اقتصاد تک محصولی بیرون بیاید باید کالای دانش بر تولید کند مثل کالاهای کره جنوبی، چین، اروپا و… به این خاطر برای کالاهای دانش بر مجبوریم از فناوری و سرمایه گذاری مستقیم خارجی استفاده کنیم. اینجاست که می‌بایست آن ضرورت تکامل تاریخی را تشخیص دهیم ومجبوریم ازسرمایه خارجی استفاده کنیم. واژه کالای دانش بری هم تازه وارد مقولات اقتصادی شده است چراکه قبلا می‌گفتند کالاهای سرمایه بر است یا کاربر. الان سه مقوله شده است: سرمایه بر، کاربر و دانش بر. در هر کالایی میزان این را می‌سنجند. اگر در تولیدمان از کامپیوتر استفاده کنیم سرمایه بر شده ایم و کاربریمان کم شده است. دانش بری زمانی است که توانسته ایم نرم افزارهای لازم را تولید کنیم و این را

مستقل

چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۶۲ شماره

برای خودمان درون‌زا کرده باشیم. اگر ما از کامپیوتر استفاده کنیم یا از اتوماسیون به ما نمی‌گویند کالای ما دانش بر شده است. اینکه چقدر توانسته ایم در این اتوماسیون نوآوری داشته باشیم و بومی سازی اش کرده باشیم آن زمان تولید ما دانش بر هم شده است به این ترتیب جهت گیری ها اینگونه سامان پیدا می‌کند. در این حال نمی‌توان گفت سرمایه خارجی بد است. این شعار ایدئولوژی اولیه است. نه از این طرف بگوییم که همه چیز را به بازار و در عمل

همه چیز را به رانت بسپاریم و از آن طرف بگوییم که همه چیز را به برنامه بسپارید و اصلا ضد سرمایه عمل نکنیم که درواقع باز هم همه چیز را به رانت می‌سپاریم. ما وقتی ضد سرمایه داری به صورت عام شویم وشد استثمار باشیم، در عمل به رانت جوها کمک کرده ایم. اگر مستقل فکر کنیم صنعتی شدن یک موقع شعار اصلی بود حالا دانش بنیان شدن شعار اصلی توسعه است واین یک امر مشترک تمام طبقات است از جمله بورژوازی. الان که بورژوازی صنعتی ترسو شده هم از دولت می‌ترسد هم از اپوزیسیون، مشکلات خودش را دارد روشنفکر اورگانیک خودش را هم نمی‌پرواند. چون دیگر رادیکال نیست و رادیکالیسم را یا آن شعارها کسانی که رادیکال بودند مثل جریان نهضت آزادی و نیز جریان رادیکالیسم توسعه متوازن زنده یادمهندس سبحانی درصحنه قدرت حضورندارند. مهندس سبحانی روشنفکر اورگانیک توسعه بود که در این نوع توسعه هم بورژوازی جای می‌گرفت هم طبقه کارگر، یک نوع سوسیال دموکراسی بود. مهندس سبحانی در چارچوب اقتصاد توسعه حرف می‌زد نه در چارچوب اقتصاد سیاسی وایلته بین این دو مرز زیادی نیست. این روشنفکر اورگانیک را باید داشته باشیم و دانشگاه ها و مؤسسات پژوهشی باید ایسن کار را بکنند این ها نباید تقلیل پیدا بکنند. رادیکالیسم نفی سرمایه خارجی نیست نفی اقتصاد دانش بنیان نیست نفی یکسره استثمار نیست. وقتی اقتصاد دانش بنیان داشته باشیم بهره بری بالا می‌رود. با بالا رفتن بهره بری میزان استثمار به معنای نسبت ارزش اضافی به مزد بالا می‌رود. اما میزان رفاه هم بالا می‌رود، میزان استقلال میزان آزادی بشر همراهش بالا می‌رود بخشی از این هم منوط به این است که شما سرمایه و فناوری خارجی را داشته باشید وگرنه نمی‌توانید کالایی تولید بکنید که قابل صادرات باشد. کالاهایی تولید می‌کنید که حتی اگر مصرف داخلی داشته باشد موجب آلوده زایی و بی کیفیت تر و بخصوص برای تولیدش همیشه وابسته به عرض نفت هست خصوصاً هم ماشه های مدرنی توانسته ایم صادرات کنیم. این یک مصادله یک مجهولی نیست که بخواییم استثمار را رد بکنیم وبعد حتما باید دمار سرمایه دار داخلی را دربیابوریم و دولت هم خودشان راکنار بکشندو هیچکدام کاری ندارند به سیاست اقتصادی دولت کار و دولت پول نفت را بگیرد به بورکراسی اش توزیع بکند و بگوید من مسئولیت ندارم و برویم در بازار؛ این همان حرفی است که به بورژوازی کوچک و متوسط می‌زند می‌گویند ما شما را می‌سپاریم به بازاران و مردم طبقه کارگر بخود بسازد و بازار سپرده شده؛ به بازار سپرده نشده از انواع ارز ارزان و سوخت ارزان استفاده می‌کنند از پتروشیمی گرفته تا بحث های مالیاتی و انواع کمک های ریز و درشتی که می‌شود و قیمت های انحصاری و حقوق های نجومی این ها هیچکدام نباید به بازار سپرده بشود؛ این بازار استفاده ای برای بورژوازی رانت خوار و بر علیه بورژوازی صنعتی کوچک و متوسط و طبقه کارگر و مردم طبقه کارگر دانش داشته باشند و قوی باشند کار را بیشتر بکنند. ازاین ور هم می‌گویند این حرفها چیست می‌زند اقتصاد دانش بنیان و این ها حرف های نتولیرالیسم است، یعنی تقلیل پیدا می‌کنند این مکالمه به یک امر سیاست زده تقلیل یافته که هیچکدام از این ضرورت ها تکامل تاریخی در آن محاسبه نشده، سنجیده نشده و این مصیبت به وجود می‌آورد همانطور که به وجود آورده است. هم از لحاظ اقتصادی هم از لحاظ طبقاتی. طبقات نمی‌دانند که باید چه کار مشخصی انجام بدهند و چه شعارهای مشخصی داشته باشند.اقتصاددانش بنیان ضدمبادله نابرابر است واین مبادله نابرابرموقعی صورت می‌گیرد که بهره بری پایین باشد. ما یک روز کار می‌کنیم کالا تولید می‌کنیم یک کارگر که بهره بهره بری اش بالاتر است در آمریکا یا چین ده تا از آن تولید می‌کند. پس مناصره ی یک روز کارمان را می‌دهیم به اندازه یک دهم آن را مبادله می‌کنیم یعنی حیات مان را داده ایم. این از استثمار هم بدتر است مبادله نابرابر از استثمار بدتر است! استثمار مستقیمی را که در کارخانه می‌شود چون شما ثروت ملی تان را می‌دهید ثمره کارتان را می‌دهید در عرض یک سال شما چیزی را می‌دهید به آن ور که چه از لحاظ کارتان و چه از لحاظ آبای که کم داریم چه از لحاظ همه این منابعی را که کم داریم را می‌دهیم. یک درخت پسته محصولش به اندازه یک گوشی هوشمند است و این میزان کار و آب و همه این ها که باعث شده آن محصول درآمده را شما محاسبه کنید و این ثمره عمرش را کارگر می‌دهد برای اینکه یک موبایل هوشمند بخرد که یک کالای دانش بر است. ما به ازای آن در روز چند تا کارگر آمریکایی یا ویتنامی به اندازه کارگریانی کار می‌کنند؛ شما مازادتان را قبلا به آمریکا می‌دادید الان به ویتنام می‌دهید و کشش نایکش را می‌خرید که بدنه اش به اندازه یک هشتم حقوق یک

کارگر است. پس این مبادله نابرابر که در اثر نبود اقتصاد دانش در جامعه است بایدبدانیم چه بلایی سر اقتصاد جامعه می‌آورد. چقدر تقلیل یافته است که ما فقط با سرمایه دار مستقیم نخواهد مبارزه بکنیم و به دولت بگوییم که چرا حق توسعه را برای اقتصاد دانش بنیان صرف نمی‌کنید که ما بتوانیم به همین کارخانه دار کمک درست بکنیم از انحصار آن ماشین برابرد که آلوده زا و خطرناک است وجان می‌گیرد و آن لاس‌تیک‌ها ایضا ای انحصاری که تولید می‌کنید و به درد نمی‌خورد و اتوماس هایی که جان می‌گیرد چرا این حق توسعه را طبقه کارگر وسرافشارایران نخواهد؟ فقط زوم داده بشود چه به وسیله دولت و چه کسانی که فکر می‌کنند منی رادیکالیسم دارند به طرف آن سرمایه دارصنعتی! دمار آن سرمایه دار راهم اگرمیخواهیم دربیابوریم اول آن سرمایه دار رانتی یاقول گویند فرانک سرمایه داری رانتی که همان لیمن بورژازی است را هدف گیری کنیم که اصلا برایش مهم نیست که از آن رانتش که آن کارگرش درانجا کار می‌کند پرداخت بکند و آن را آرام بکنند به این ور و آن ور ببرد استخر ببرد مشهد ببرد. با آن رانتی که او دارد معلوم است که یک سهمی بهشان می‌دهند و کارگران آنجا هم ببینند که بله اموراش دارد می‌گذرد!

با یک شعار که مسلم است که طبقه کارگر آمریکا در مورد نتولیرالیسم حاکم به خودش که نتولیرالیسم است واکنش نشان می‌دهد ولی طبقه کارگر ایران که به نتولیرالیسم نمی‌تواند واکنش نشان دهد که به رانت باید واکنش نشان دهد و نبود عدم تحقق حق توسعه اش. حق توسعه اش اقتصاد دانش پایه است، حق توسعه اش این است که فضای شهرها بتواند از رانت بیرون بیاید در هر محله به اندازه کافی پارک و ورزشگاه وجود داشته باشد که همه اش را تاکنون شهرداری ها فروخته اند! حمل و نقل ارزان داشته باشد. بتواند با حمل و نقل ارزان آخر هفته به مراکز فرهنگی برود فضاهای عمومی در دسترس عام باشد. بتواند به راحتی به محیط های عمومی وبه کتابخانه ها دسترسی داشته باشد این ها حق توسعه است بتواند دیده داشته باشد. کسی که نتواند در تهران منظری به کوهستان داشته باشد روحش می‌میرد نه تئوری از آن توزیع نمی‌شود نه می‌تواند به طبیعت دسترسی داشته باشد و شما هر روز بیشتر محروم می‌شوید از دیدن مناظر طبیعی این جزو حقوق طبیعی انسان است که بتواند طبیعت را ببیند و حداقل جریان هوا داشته باشد.